

دوراهی مهاجرت‌های اقلیمی؛ تحلیلی درباره رویکردهای سازگاری یا ناسازگاری در برابر آثار تغییرات اقلیمی

 20.1001.1.24767220.1401.12.4.6.7

رقیه صمدی^۱

چکیده

در حال حاضر یکی از بحث‌برانگیزترین پیامدهای تغییرات اقلیمی مهاجرت بالقوه میلیون‌ها نفر در اثر این تغییرات است. این موضوع بیش از پیش به مسئله‌ای مهم برای دولت‌ها و سیاست‌گذاران تبدیل شده است. در خصوص مهاجرت‌های ناشی از تغییرات اقلیمی دیدگاه‌های متفاوتی مطرح می‌شود. عده‌ای از محققان باور دارند که مهاجرت نشان‌دهنده شکست در سازگاری با محیط در حال تغییر است. در مقابل، عده‌ای از محققان معتقدند که مهاجرت قابلیت این را دارد که استراتژی‌ای پیشگیرانه برای مقابله با تغییرات اقلیمی باشد. در این پژوهش تلاش شد تا با رویکردی توصیفی-تحلیلی، و با استناد به نظریه‌های کثرت‌گرایی و اقلیت‌گرایی، دیدگاه‌های مختلف در زمینه مهاجرت‌های اقلیمی و سازگاری و ناسازگاری در برابر تغییرات اقلیمی بررسی شود و چهارچوب مفهومی متناسب با این دیدگاه‌ها ارائه شود. نتایج بررسی‌ها نشان داد اینکه مهاجرت یکی از اقدامات سازگاری یا ناسازگاری جوامع در نظر گرفته شود برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران را با چالش‌های فراوانی روبه‌رو خواهد کرد. هر چند بسیاری از این چالش‌ها از طریق استراتژی‌های دقیق کنترل‌شدنی است. در این راستا، سیاست‌گذاران باید قوانین و مقرراتی را وضع کنند که توانایی سیاست‌گذاران را برای سازگاری با تأثیرات تغییرات اقلیمی تقویت کند.

واژگان کلیدی: مهاجرت، تغییرات اقلیمی، سازگاری یا ناسازگاری، نظریه‌های کثرت‌گرایی و اقلیت‌گرایی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۰۳

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۱۱/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۰۱

مقدمه

امروزه، آسیب‌پذیری افراد تحت‌تأثیر تعامل پیچیده عوامل اجتماعی و اقتصادی وابسته به محیط‌زیست افزایش یافته است. به طوری که امروزه جمعیت گسترده‌ای در کشورهای گوناگون، بیش از هر زمان دیگری، در برابر آثار تغییرات محیط‌زیستی آسیب‌پذیرند. چراکه افزایش جمعیت و تراکم در مکان‌های در معرض خطر از یک‌سو، و فرایندهای اجتماعی و اقتصادی و سیاسی از سوی دیگر، موجب افزایش آسیب‌پذیری در برابر چنین خطراتی می‌شود. یکی از رخدادهای بارز تغییرات محیط‌زیستی تغییرات اقلیم جهانی است.

در بررسی سالانه‌ای که در مجمع جهانی اقتصاد^۱ در سال ۲۰۲۲ در مورد خطرات جهانی صورت گرفت به سه خطر برجسته محیط‌زیستی، که کارشناسان را نگران کرده است، اشاره شد: (۱) شکست اقدامات اقلیمی، (۲) وقایع اقلیمی شدید، (۳) ازدست‌دادن تنوع زیستی. در این گزارش، شکست اقدامات در زمینه مقابله با تغییرات اقلیمی بزرگ‌ترین نگرانی کارشناسان برای ده سال آینده محسوب می‌شود. تلاش‌های ناکافی در جهان برای مقابله با تغییرات اقلیمی در اوایل سال ۲۰۲۰، قبل از شیوع دنیاگیر و ویروس کرونا، در صدر فهرست نگرانی‌ها قرار داشت. بنابراین، بسیار محتمل است که مردم تأثیرات تغییرات اقلیمی را، چه به صورت بلایای طبیعی تدریجی و چه به صورت بلایای ناگهانی، تجربه کنند، به‌ویژه اگر این تغییرات منجر به مهاجرت، جابه‌جایی غیرارادی و اسکان مجدد شود (Oliver-Smith 2009).

کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان^۲ (2017) گزارش می‌دهد که بین سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۶ سالانه متوسط ۲۱/۵ میلیون نفر به‌علت شروع ناگهانی مخاطرات وابسته به اقلیم و هزاران نفر دیگر به‌علت خطرات پیش‌رونده وابسته به تأثیرات تغییرات اقلیمی به‌اجبار آواره شده‌اند. تلاش‌های صورت‌گرفته توسط سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان در سال‌های آینده بر تخمین جابه‌جایی افراد در اثر عوامل اقلیمی اثرگذار خواهد بود. با این حال، احتمالاً ده‌ها میلیون نفر در طول دو تا سه دهه آینده به‌علت تأثیرات تغییرات اقلیمی آواره خواهند شد.

اغلب تصور می‌شود که مهاجرت نشان‌دهنده شکست در سازگاری با محیط در حال تغییر است. طرفداران این دیدگاه معتقدند که می‌توان با اقداماتی در راستای سازگاری در برابر تغییرات محیطی و اقلیمی، و افزایش تاب‌آوری جوامع، از مهاجرت افراد در معرض آسیب جلوگیری کرد. در مقابل، عده‌ای از محققان معتقدند که مهاجرت می‌تواند راهبرد پیشگیرانه باشد و برای مقابله با تغییرات اقلیمی به کار گرفته شود. در واقع برای

قرن‌ها، مهاجرت راهبردی سنتی برای سازگاری در برابر تنش‌های اقلیمی بوده است.

به‌طور کلی مهاجرت، چه در معنای سازگاری با تغییرات اقلیمی و چه در معنای شکست در شیوه‌های سازگاری با تغییرات اقلیمی، پدیده‌ای اجتناب‌ناپذیر است که چالش‌های آن در حال و آینده پیش روی ما قرار دارد. محققانی که در زمینه مهاجرت، چه برابندی منفی در برابر تغییرات اقلیمی و محیطی در نظر گرفته شود چه برابندی مثبت، فعالیت می‌کنند دیدگاه‌های متفاوتی دارند. بنابراین، در این مقاله قصد داریم تا با رویکردی توصیفی - تحلیلی پدیده مهاجرت را، چون راه‌حل سازگاری با تغییرات اقلیمی یا شکست در اقدامات مربوط به سازگاری در برابر این تغییرات، تجزیه و تحلیل کنیم. در همین راستا، با واریسی تجارب کشورهای مختلف، رویکردهای گوناگونی که راجع به سازگاری یا ناسازگاری در برابر تغییرات اقلیمی موجود است بررسی خواهد شد. سپس، اقدامات صورت‌گرفته در راستای سازگاری با تغییرات اقلیمی در کشور، یا مهاجرت‌های وابسته به این تغییرات، تحلیل و ارزیابی خواهد شد. این توضیح لازم است که هدف از این پژوهش موافقت یا مخالفت با هیچ‌کدام از دیدگاه‌های سازگاری یا ناسازگاری با شرایط اقلیمی نیست، چراکه، با توجه به تفاوت‌های اجتماعی - اقتصادی و تفاوت‌های اقلیمی و نیز سایر شرایط وابسته به جوامع، نمی‌توان قاطعانه ادعا کرد که آنچه در یک منطقه جغرافیایی نتیجه‌بخش خواهد بود سازگارکردن جوامع در برابر آثار تغییرات اقلیمی است یا تسهیل مهاجرت ساکنان. از این‌رو در پژوهش حاضر، تلاش خواهد شد تا هر دو رویکرد تحلیل و ارزیابی شود و تجارب موفق جوامع در این باره ارائه شود.

۱ - چهارچوب نظری

۱-۱ - مفاهیم و دیدگاه‌ها در حوزه مهاجرت‌های اقلیمی

در حال حاضر یکی از آثار بحث‌برانگیز تغییرات اقلیمی در جهان مهاجرت بالقوه میلیون‌ها نفر در اثر این تغییرات است و این مسئله برای دولت‌ها و سیاست‌گذاران بیش‌ازپیش اهمیت یافته است. مهاجرت ناشی از تغییرات اقلیمی چه در اصطلاح «پناهندگان اقلیمی» چه در اصطلاح «مهاجران محیط‌زیستی» یا «مهاجران اقتصادی» چهره‌های فراوانی دارد (Manou et al., 2017). مفهوم مهم دیگری که در کنار «مهاجران محیط‌زیستی»، «مهاجران اکولوژیکی» و «پناهندگان محیط‌زیستی» مطرح است مفهوم «آوارگان داخلی» است. ممکن است «آوارگان داخلی» گاهی پناهنده یا گاهی «مهاجران محیط‌زیستی» باشند. در حقیقت، آوارگان داخلی اشخاص یا گروهی از افراد هستند که در نتیجه تأثیرات ناشی از درگیری مسلحانه، شرایط خشونت عمومی، نقض حقوق، بلایای طبیعی یا انسانی یا به‌منظور جلوگیری از

1. World Economic Forum

2. United Nations High Commissioner for Refugees (UNHCR)

آوارگان بر اساس عوامل محیط‌زیستی و اقلیمی مبهم به نظر می‌رسد. در کنوانسیون پناهندگان سازمان ملل متحد در سال ۱۹۵۱ نیز عامل محیط‌زیست انگیزهٔ اصلی برای تصمیم‌گیری دربارهٔ مهاجرت در نظر گرفته نشده است. بنابراین، تعریف این نوع مهاجرت برای نظریه‌پردازان چالشی اساسی است. بسیاری از محققان رویکردهای متفاوتی را برای تعریف پناهندگان اقلیمی و دستیابی به راه‌حل پایدار اتخاذ می‌کنند که در چهارچوب کنوانسیون پناهندگان سازمان ملل متحد ۱۹۵۱ و پروتکل الحاقی آن در سال ۱۹۶۷ جای می‌گیرد و به این ترتیب مهاجرت ناشی از تغییرات اقلیمی در چهارچوبی قانونی قرار می‌گیرد (Ahsan et al., 2014).

۱-۲- مهاجرت و نقش محیط‌زیست؛ دیدگاه کثرت‌گرایان در مقابل دیدگاه اقلیت‌گرایان

اگرچه مهاجرت‌های محیط‌زیستی پدیده‌ای است که قدمت طولانی دارد، با برجسته‌شدن تغییرات محیط‌زیستی و ارتباط آن با توسعهٔ صنعتی در دههٔ ۱۹۸۰ این مسئله توجه محققان را به خود جلب کرد. در این میان بسیاری از محققان تلاش کردند تا سهم تغییرات محیط‌زیست در جابه‌جایی انسان‌ها را بررسی کنند. سارک در سال ۱۹۹۴ الگوی را ارائه داد که بر اساس آن به مهاجرت‌های محیط‌زیستی از دو دیدگاه متضاد نگریسته شد: دیدگاه اقلیت‌گرایی و دیدگاه کثرت‌گرایی (Lonergan, 1998). طرفداران دیدگاه کثرت‌گرایی یا ماکسیمالیستی باور دارند که فشارهای محیط‌زیست در جابه‌جایی انسان‌ها تأثیر مستقیم می‌گذارد. الهیناوی، یکی از مشهورترین طرفداران این دیدگاه، اصطلاح «پناهندگان محیط‌زیستی» را به کار می‌برد و با این اصطلاح به افرادی اشاره دارد که «به‌علت وجود مخاطرات محیط‌زیستی (بلایای طبیعی یا انسان‌ساخت) مجبور شده‌اند مکان زندگی خود را دائمی یا موقت ترک کنند و جان خود را به خطر بیندازند، یا کیفیت زندگی آن‌ها تحت تأثیر این بلایا قرار گرفته است» (El Hinnawi, 1985). میرز (1993)، وستینگ (1992) و راملوگان (1996) رویکردهای مالتوس‌گرایان جدید را پیشنهاد می‌کنند و باور دارند که افزایش جمعیت جهان و تشدید تغییرات اقلیمی منجر به کاهش شدید منابع موجود شده است که خود سبب افزایش آسیب‌پذیری جمعیت می‌شود. کثرت‌گرایان رویکرد قیاسی جامعی را اتخاذ می‌کنند و واژهٔ بحث‌برانگیز «پناهنده» را به کار می‌گیرند که همیشه راهبرد مناسبی برای توصیف آوارگانی که به سبب تغییرات اقلیمی آواره شده‌اند نیست. چهارچوب تحلیلی آن‌ها در قالب شکل ۱ ارائه شده است (Dial-lo and Renou, 2015).

آن‌ها آواره شده‌اند و از مرزهای شناخته‌شدهٔ بین‌المللی عبور نکرده‌اند (Unruh et al., 2005).

محققان سعی می‌کنند برای تمایز میان «مهاجران اقتصادی» و «مهاجران محیط‌زیستی» مرزی قائل شوند. استدلال رایج این است که مهاجران اقتصادی به عوامل دفع‌کننده و جذب‌کنندهٔ پاسخ می‌دهند، درحالی‌که «مهاجران محیط‌زیستی» چاره‌ای جز فرار ندارند. بنابراین، «مهاجران محیط‌زیستی» فقط به عوامل فشار و دفع‌کننده واکنش نشان می‌دهند و اغلب در مواجهه با شرایط اضطراری انتخاب‌هایی محدود دارند.

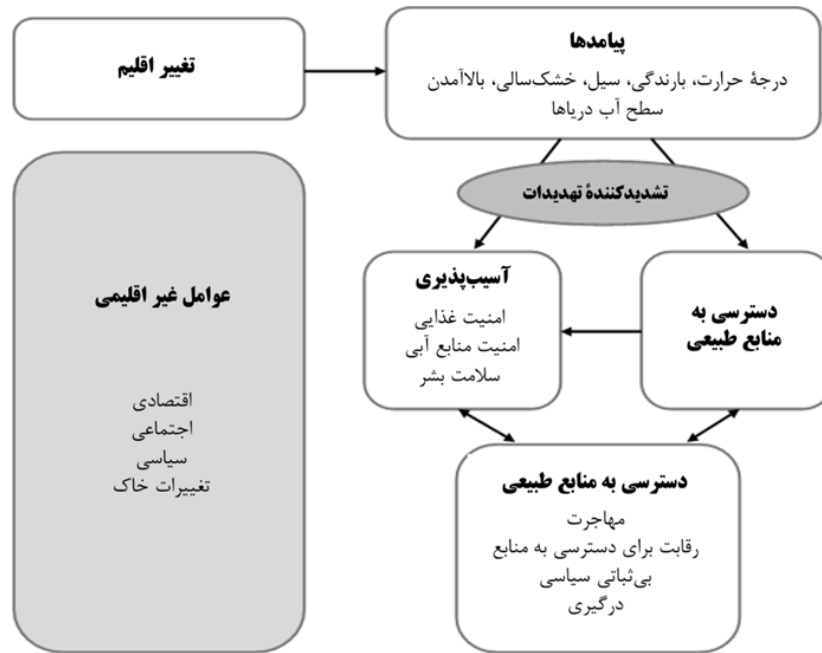
مسائل وابسته به محیط‌زیست و مهاجرت در سال ۱۹۸۵ و با گزارش «پناهندگان محیط‌زیستی»، که برنامهٔ محیط‌زیست سازمان ملل متحد آن را منتشر کرده است، مورد توجه قرار گرفت. در تعریف این برنامه از مهاجرت محیط‌زیستی بر علیت تمرکز شده است و حداقل بخشی از تعریف نئوکلاسیک دربارهٔ عوامل فشار در آن منعکس است:

«... [آوارگان محیط‌زیستی] افرادی [هستند] که به‌علت ایجاد اختلال شدید محیط‌زیستی (طبیعی یا انسان‌ساخت) که حیات آن‌ها را به خطر انداخته است یا کیفیت زندگی آن‌ها را تحت تأثیر جدی قرار داده، یا هردوی این عوامل، به‌اجبار محل زندگی خود را موقت یا دائم ترک کنند. منظور از «اختلال محیط‌زیستی» هرگونه تغییر فیزیکی یا شیمیایی یا زیستی در زیست‌بوم است که آن را موقت یا دائمی برای حمایت از زندگی انسان نامناسب می‌کند.» (Apap and du Perron de Revel, 2021)

معیارهای کلی متمایزکنندهٔ پناهندگان محیط‌زیستی از سایر انواع مهاجران در تعریف برنامهٔ محیط‌زیست سازمان ملل متحد ارائه نشده است. همچنین در آن تفاوت‌های بین مهاجران محیط‌زیستی و پناهندگان را مشخص نکرده‌اند. برخی از مفسران استدلال می‌کنند که تخریب محیط‌زیست همیشه محرک مهاجرت نیست، بنابراین ممکن است میان تعریف سنتی مهاجران، که در آن بر انتخاب تأکید می‌شود، و تعریف پناهندگان اقلیمی، که چاره‌ای جز مهاجرت ندارند، همپوشانی ایجاد شود. طبق نظریهٔ مهاجرت سنتی، که در آن «مهاجرت داوطلبانه» تشریح می‌شود، تصمیم به مهاجرت همیشه در سطح فردی یا خانوادگی گرفته می‌شود. در مهاجرت داوطلبانه انگیزه‌های مختلفی دنبال می‌شود. تغییرات اقلیمی ممکن است یکی از اجبارهای خارجی برای مهاجرت تلقی شود و تشبیه شود به اجبار وارد بر پناهندگان سیاسی یا مذهبی که از آزار و شکنجه فرار می‌کنند. بنابراین، طبقه‌بندی

1. Pull-push factors

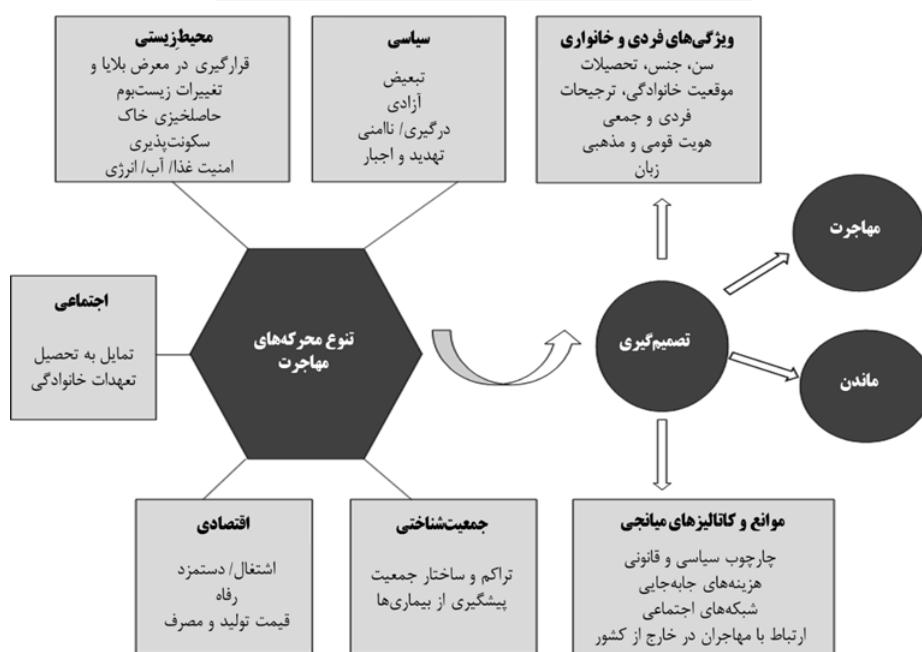
2. United Nations Environment Programme (UNEP)



شکل ۱: دیدگاه کثرت‌گرایان درباره مهاجرت‌های محیط‌زیستی (UNEP, 2011، به نقل از، Diallo and, Renou, 2015)

انسان‌ها زیر سؤال نمی‌برد و بر این باور است که واکنش‌های اجتماعی خاص به تغییرات محیطی غیرقابل پیش‌بینی است (Black, 2001). با توجه به این پیچیدگی، ارائه تعریف برای مهاجرت‌های محیط‌زیستی یا کمیت‌پذیری آن امکان‌پذیر نیست. به این ترتیب، اقلیت‌گرایان مفهوم مهاجرت محیط‌زیستی را رد می‌کنند.

در مقابل، بنابه دیدگاه اقلیت‌گرایی یا مینیمالیستی، فشارهای محیط‌زیستی کمترین تأثیر را در جابه‌جایی انسان‌ها دارد. طرفداران این دیدگاه معتقدند که مهاجرت پدیده‌ای پیچیده و چندلایه است (شکل ۲) که نمی‌شود فقط ناشی از عوامل محیط‌زیستی باشد. ریچارد بلک (2001)، یکی از طرفداران این دیدگاه، عامل اقلیم را به‌عنوان محرکه‌ای برای جابه‌جایی



شکل ۱: دیدگاه کثرت‌گرایان درباره مهاجرت‌های محیط‌زیستی (UNEP, 2011، به نقل از، Diallo and, Renou, 2015)

تخریب برگشت‌ناپذیر است و جوامع پیوسته در معرض خطراتی طبیعی قرار دارند که ممکن است باعث از بین رفتن معیشت آن‌ها شود. با این مهاجرت برنامه‌ریزی شده می‌توان به کاهش فشار بر زیست‌بوم کمک کرد. همچنین استعداد آن را دارد تا با آن احتمال وقوع درگیری‌ها بر سر منابع طبیعی یا درگیری‌های رخ داده کاهش یابد.

به‌طور کلی، مهاجرت به‌عنوان یک نوع راهبرد سازگاری در برابر آثار تغییرات اقلیمی و کاهش وابستگی معیشت مردم به اقلیم به شمار می‌آید. اما گفتنی است اینکه مهاجرت یکی از اقدامات احتمالی برای سازگاری با تأثیرات اقلیمی نگریسته شود به این معنی نیست که مهاجرت چون نوشدارو است. بسیار واضح است که جابه‌جایی کنترل‌نشدهٔ مردم با چالش‌های فراوانی همراه است، مانند ایجاد فشار اضافی بر زیرساخت‌های جوامع مقصد یا اختلال در ارائهٔ خدمات اجتماعی. اگرچه می‌توان ادعا کرد که می‌توان بسیاری از این چالش‌ها را از طریق اجرای سیاست‌های مناسب کاهش داد.

در مقابل، برخی محققان معتقدند که مهاجرت به‌منزلهٔ «عدم سازگاری» یا شکست در شیوه‌های سازگاری با شرایط محیطی است (International Organization of Migration [IOM], 2017). مانند کشاورزانی که به‌علت برداشت ناموفق محصولات زراعی و چشم‌انداز ناامن معیشتی تصمیم به مهاجرت می‌گیرند. برای مثال، بیابان‌زایی در نیجر باعث تضعیف ثبات معیشتی کشاورزان این منطقه شده است و این امر به‌نوبهٔ خود تاب‌آوری کشاورزان را در برابر خشک‌سالی‌های مکرر کاهش داده است، در نتیجه کشاورزان به‌ناچار تصمیم به مهاجرت می‌گیرند. از نظر این دیدگاه، ناکارآمدی شیوه‌های مختلف سازگاری در برابر تغییرات اقلیمی باعث می‌شود که مردم اقدام به مهاجرت کنند. این در حالی است که مهاجرت افراد ممکن است خطر بیشتری را هم برای مهاجران و هم برای جوامع میزبان ایجاد کند و مشکلات محیط‌زیستی و اقتصادی در مناطق پذیرنده را تشدید کند. برای مثال، امروزه بسیاری از مهاجرانی که به دنبال زندگی بهتر هستند، از مناطق مختلف، جذب کلان‌شهرها می‌شوند. این دسته از مهاجران اغلب در محله‌های فقیرنشین و حاشیه‌ای شهرها مستقر می‌شوند، مکانی که شبکهٔ اجتماعی لازم برای یافتن شغل، کسب دستمزد و نیز ارسال پول برای حمایت از اعضای خانواده فراهم می‌شود.

تغییرات اقلیمی باعث می‌شود مناطق شهری و روستایی تحت تأثیر مخاطرات فزاینده و خشونت‌آمیز قرار گیرند. سیل، طوفان‌های شدید، خشک‌سالی، یا تغییرات تدریجی بیشتر در اقلیم منطقه، بر زیرساخت‌های شهری و سازوکارهای معیشتی فشار وارد می‌کند. (Warner, 2010; Gemenne and Blocher, 2017). از این رو، بر اساس این دیدگاه، دولت‌ها هنوز هم مهاجرت

در طول دهه‌ها، کثرت‌گرایان به‌طور فزاینده بخش‌هایی از گفتمان اقلیت‌گرایان را در تحلیل‌های خود گنجانده‌اند. آن‌ها علل متعدد مهاجرت و گاهی حتی مشکل جداسازی عامل محیط‌زیستی در تصمیمات مهاجرتی را تشخیص می‌دهند. درحال حاضر بسیاری از محققان کثرت‌گرا ترکیبی از استدلال‌های کثرت‌گرایانه و اقلیت‌گرایانه را ارائه می‌کنند. در نتیجه، تمایز میان این دو دیدگاه تا اندازه‌ای مبهم است. با این حال، کثرت‌گرایان همچنان از مفاهیم مهاجران و پناهندگان اقلیمی استفاده می‌کنند. این نتیجه‌گیری تا به امروز آن‌ها را از طرفداران دیدگاه اقلیت‌گرا متمایز کرده است (De Bruyckere, 2016).

۲- تحلیل و بررسی مهاجرت‌های اقلیمی؛ سازگاری یا ناسازگاری در برابر شرایط اقلیمی

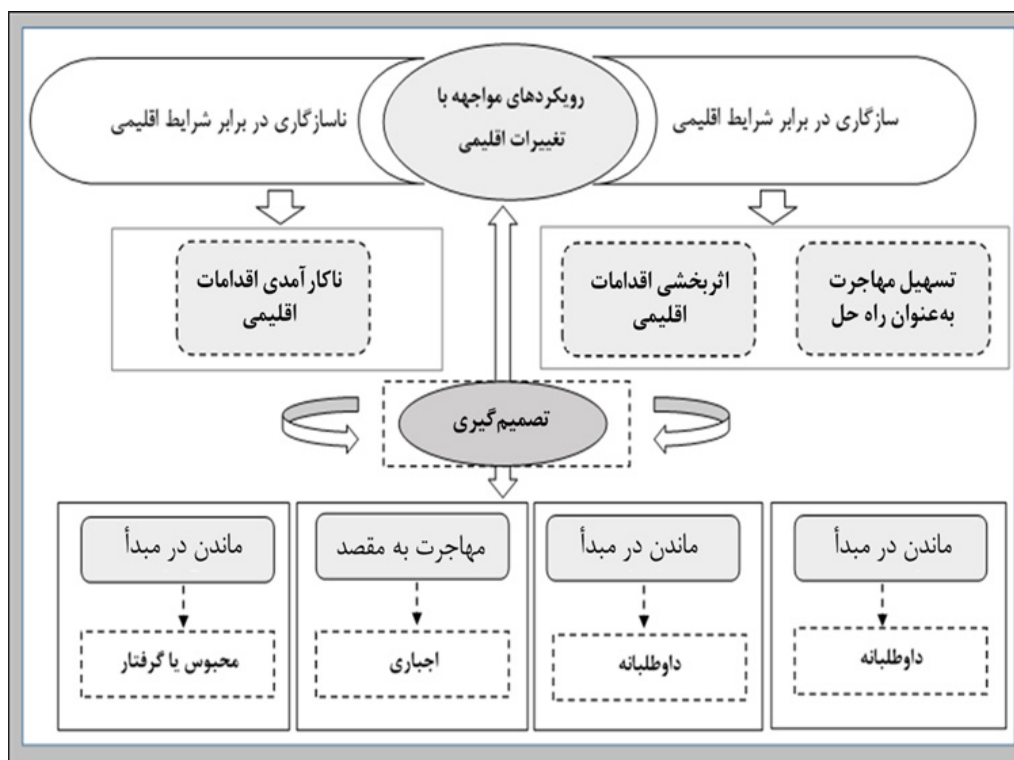
از آنجایی که مهاجرت پدیده‌ای پیچیده است و محرک‌های مختلفی دارد، ممکن است پدیدهٔ تغییر اقلیم در محرک‌های مهاجرتی تأثیر بگذارد و ترکیبی از این عوامل باعث شود تا افرادی که در معرض مخاطرات طبیعی اند برای مهاجرت یا ماندن در مکان‌های پر تنش با چالش مواجه شوند. تغییرات اقلیمی عامل مهمی در مهاجرت و جابه‌جایی افراد است. عده‌ای از محققان معتقدند مهاجرت یکی از راهبردهای بالقوهٔ سازگاری و یک گزینهٔ مهم سیاستی برای جلوگیری از عواقب مهیب ناشی از تغییرات اقلیمی است (Nordas and Gleditsch, 2007; Laczko and Aghazarm, 2009; Tacoli, 2009). به‌عبارت دیگر، وقتی مهاجرت راهکاری برای «سازگاری» باشد ممکن است موجب کاهش فشار ناشی از افزایش جمعیت بر منابع طبیعی در منطقه‌ای که در معرض مخاطرات اقلیمی است شود. در این دیدگاه، می‌توان روش‌های مهاجرت قانونی، به‌ویژه طرح‌های مهاجرت موقت و چرخشی، را در مناطقی که با تخریب تدریجی محیط‌زیست مواجه است برقرار کرد. برای نمونه، در کشور هائیتی مهاجرت راهبردی سازگار و مثبت در برابر مخاطرات طبیعی محسوب می‌شود؛ چراکه مهاجرت فصلی از میزان آسیب‌پذیری می‌کاهد و خانوارها در برابر بلایا تاب‌آورتر می‌شوند. با فرصت‌های مهاجرت قانونی افراد می‌توانند درآمد مناسبی کسب کنند و درعین حال کمبود نیروی کار نیز در مناطق مقصد جبران شود. این ظرفیت وضعیتی برد-برد است برای جوامع مبدأ و مقصد و همچنین برای خود مهاجران. چنین طرح‌هایی را - که در عمل هنوز نادرند - می‌توان در سطوح گوناگون اجرا کرد: مهاجرت داخلی، منطقه‌ای، یا بین‌المللی، مانند طرح آزمایشی کارگران فصلی استرالیا در سال ۲۰۱۲ در اقیانوسیه. به‌علاوه در این دیدگاه، محققان معتقدند که از طریق تسهیل مهاجرت می‌توان فشار بر مناطق سکونت‌ناپذیر را کاهش داد. به‌عبارت دیگر، می‌توان مهاجرت را در مناطق سکونت‌ناپذیر و آسیب‌پذیر برنامه‌ریزی و مدیریت کرد؛ جایی که

کرده است: «در سیستم‌های انسانی، (سازگاری) روند تنظیم با شرایط اقلیم واقعی یا مورد انتظار و تأثیرات آن، به‌منظور تعدیل آسیب یا بهره‌برداری از فرصت‌های مفید است» (IOM, 2007). به زبان ساده‌تر، سازگاری به هرگونه پاسخ انسانی برای مقابله با تغییرات محیط بیرونی، به‌منظور زنده‌ماندن در برابر آثار چالش‌ها و بحران‌ها با حداقل خسارت و بهبود شرایط زندگی در زیستگاهی معین، اشاره دارد. سازگاری همچنین گزینه‌ای مهم برای پاسخ یا راهبردی برای کاهش آثار تغییرات اقلیمی در نظر گرفته می‌شود. ماده ۴/۱ کنوانسیون چهارچوب سازمان ملل متحد در مورد تغییرات اقلیم^۱ طرفین را به تدوین، همکاری و اجرای «اقداماتی برای تسهیل سازگاری با تغییرات اقلیمی» متعهد می‌کند.

در اطلس مهاجرت‌های محیط‌زیستی که با همکاری سازمان بین‌المللی مهاجرت در سال ۲۰۱۷ تدوین شده است، راهبردهای متعددی در خصوص حرکات جمعیتی و سازگاری در برابر تغییرات اقلیمی مدون شده است. در این اطلس، تجارب کشورهای مختلف در زمینه سازگاری با تغییرات اقلیمی آمده است و رویکردها و راهبردهای هرکدام از کشورها بررسی شده است. با توجه به تجارب کشورهای مختلف در راستای سازگاری با تغییرات اقلیمی، در برخی کشورها همچون هند، نپال، اسپانیا، و استرالیا مهاجرت و جابه‌جایی راهکار مقابله با آثار اقلیمی یا کاهش

را گزینه‌ای جایگزین برای سازگاری نمی‌دانند و فقط در تعداد معدودی از کشورها در راستای مهاجرت یا جابه‌جایی برنامه‌های عملیاتی سازگاری تدوین شده است. این در حالی است که تاکنون درباره مهاجرت در چهارچوب راهبردهای سازگاری با تغییرات محیطی و اقلیمی بحث نشده است. اما می‌توان گفت که برخی از اشکال مهاجرت‌های اقلیمی ممکن است نشان‌دهنده سازگاری با شرایط محیطی باشد، درحالی‌که سایر اشکال مهاجرت اجباری و جابه‌جایی ممکن است نشان‌دهنده شکست شیوه‌های سازگاری در نظام‌های اجتماعی - بوم‌شناختی باشد (Warner, 2010; Gemenne and Blocher, 2017).

تنوع دیدگاه‌ها برای طراحی و اجرای سیاست‌های سازگاری با شرایط اقلیمی، از سطوح بالای حکومتی گرفته تا جامعه مدنی و دانشگاه‌ها، نشان‌دهنده جهانی بودن این نگرانی است و سوالات بسیار مهمی را نتیجه می‌دهد: چه ارتباطی میان مهاجرت و سازگاری وجود دارد و به‌طور مشخص برای ایجاد ارتباط بین مسائل اقلیمی و سیاست‌های مهاجرتی در راستای حمایت از راهبردهای سازگاری با تغییرات اقلیمی چه اقداماتی می‌توان انجام داد؟ در این خصوص، ابتدا باید مفهوم سازگاری را تعریف کرد. سازمان بین‌المللی مهاجرت در سال ۲۰۰۷، در واژه‌نامه‌ای در مورد مهاجرت و محیط‌زیست و اقلیم، «سازگاری» را این‌گونه تعریف



شکل ۳: تغییر اقلیم و مهاجرت؛ سازگاری یا ناسازگاری

1. United Nations Framework Convention on Climate Change (UNFCCC)

این آثار دانسته می‌شود. درحالی‌که در برخی دیگر از کشورها با مدیریت منابع و تاب‌آورکردن جوامع محلی در برابر بلایای طبیعی و تغییرات اقلیمی سعی شده است از مهاجرت جلوگیری شود. مانند راهبردهایی که در کشورهای کنیا و جمهوری آذربایجان

و سنگال برای مقابله با آثار اقلیمی اتخاذ کرده‌اند. در جدول ۱ راهبردها، برنامه‌ها، و کشورهایی که در آن‌ها این راهبردها و برنامه‌های سازگاری و توسعه اجرا شده است آمده است.

جدول ۱: راهبردهای مرتبط با حرکات جمعیتی برای سازگاری و توسعه در برابر تغییرات اقلیمی (Ionesco et al., 2017)

کشور	برنامه	راهبرد
هند و نپال	بر اساس پیمان صلح و دوستی کشورهای هند و نپال در سال ۱۹۵۰، صدور روادید و گذرنامه برای شهروندان نپال، برای نمونه برای کار، به‌صورت رایگان فراهم می‌شود. طبق این پیمان، افرادی که در مناطق آسیب‌پذیر زیست‌محیطی نپال زندگی می‌کنند می‌توانند به اشتغال در هند دسترسی پیدا کنند.	تسهیل فرآیندهای اداری و بوروکراتیک
اسپانیا و کلمبیا	طرح مهاجرت موقت و چرخش نیروی کار دوطرفه بین کلمبیا و اسپانیا. با این طرح مهاجرت نیروی کار به اسپانیا برای جوامع آسیب‌دیده از فجایع زیست‌محیطی در کلمبیا، به‌منزلهٔ راهبرد متنوع‌سازی معیشت، تسهیل می‌شود.	
استرالیا	طرح آزمایشی کارگران فصلی اقیانوسیه در سال ۲۰۱۲ که با آن شرایط مهاجرت فصلی کارگران جزایر اقیانوسیه برای کار در صنعت باغبانی استرالیا تسهیل می‌شود و به کارگران فقیر این مناطق اجازه داده می‌شود تا وضعیت معیشت خود را در کشورهای دیگر بهبود بخشند.	
جمهوری آذربایجان	برنامه‌ای که بر اساس آن نظام آبیاری سنتی احیا می‌شود تا از کشاورزان محلی در خصوص خشک‌سالی و جلوگیری از مهاجرت آنان به خارج از کشور حمایت شود.	مدیریت منابع طبیعی (جلوگیری از مهاجرت فراموشی)
گوآتمالا	برنامه‌های جنگل‌زایی و حفاظت از تنوع زیستی که دولت با مشارکت جوامع محلی انجام می‌دهد و به استفاده پایدار از منابع در مناطق روستایی و کاهش مهاجرت به خارج از کشور کمک می‌کند.	
برزیل	برنامه بهره‌برداری و توزیع مجدد آب در شمال شرقی کشور که با آن جنگل‌زدایی مهار می‌شود و جایگزینی برای مهاجرت به خارج از کشور ارائه می‌شود.	
سنگال	ارتقای اشتغال جوانان در بخش محیط‌زیست که با هدف بهبود مدیریت منابع محیطی و جلوگیری از مهاجرت به خارج از کشور صورت می‌گیرد.	مهار مهاجران (تسهیل فرآیندهای اداری و بوروکراتیک)
فیلیپین	بانک ملی فیلیپین خدماتی ^۱ را به خانوارها ارائه می‌کند تا بتوانند مستقیماً از خارج از کشور بدون حساب یا کارت بانکی وجه دریافت کنند. با اجرای این برنامه دسترسی خانوارهای منزوی‌شدهٔ روستایی با تمکن مالی محدود به پول‌های ارسالی مهاجران تسهیل می‌شود.	
مکزیک	برنامهٔ صندوق‌های تطبیق ۱×۳ برای مهاجران که با آن اتباع مقیم خارج از کشور ترغیب می‌شوند برای حمایت از طرح‌های توسعه و محیط‌زیست پول بفرستند.	
پرو	قانون ادغام مجدد اقتصادی و اجتماعی مشوق‌هایی همچون معافیت مالیاتی، کمک‌هزینهٔ تحصیلی و سایر مزایای اجتماعی را برای مهاجران بازگشتی با هدف بازگشت و سرمایه‌گذاری در کشور ارائه می‌دهد.	ظرفیت‌سازی برای دولت محلی
مصر	ارزیابی ملی که برای شناسایی تأثیرات احتمالی افزایش سطح دریا در مهاجرت و راهبردهای ملی برای پاسخ به این چالش انجام می‌شود.	
بنگلادش	بحث و گفت‌وگو در زمینهٔ سیاست، محیط‌زیست، تغییرات آب‌وهوا و مهاجرت، که باعث شد دولت و جامعهٔ مدنی و شرکای توسعه در سال ۲۰۱۰ گرد هم آیند.	
کلمبیا	ظرفیت‌سازی دولت از طریق آموزش و تدوین سیاست‌ها که با آن به حرکات جمعیتی ناشی از تغییرات اقلیمی رسیدگی می‌شود.	

کشور	برنامه	راهبرد
ماداگاسکار	جابه‌جایی داوطلبانه جوامع آسیب‌دیده در اثر طوفان، سیل و فرسایش	مکان‌گزینی مجدد
اروگوئه	برنامه ملی مسکن پنج‌ساله که با آن مسکن ایمن و بادوام در مناطق شهری و نیمه‌شهری تضمین می‌شود و مطابق با آن خانواده‌هایی که مجبور شده‌اند مناطق در معرض خطر سیل را ترک کنند در اولویت قرار می‌گیرند. با این برنامه ملی مکان‌گزینی مجدد، دسترسی به حمایت‌های اجتماعی و دسترسی آسان به مشاغل برای خانواده‌های جابه‌جا شده تسهیل می‌شود.	
کنیا	ارتقای تاب‌آوری پناهندگان و جوامع میزبان در برابر تغییر اقلیم در مناطق خشک و نیمه‌خشک کشور	ایجاد تاب‌آوری محلی (برای جلوگیری از جابه‌جایی)

فرایندهای ساحلی (افزایش سطح دریا، فرسایش سواحل)، تغییر زیست‌بوم (جنگل‌زدایی، تخریب زمین، اسیدی شدن اقیانوس‌ها، صید بی‌رویه)، تخریب محیط‌زیست در اثر پروژه‌های زیرساختی (جاده‌ها، سدها، معدن). در برخی از کشورها برای اینکه در برابر «محرک‌های مهاجرت» اقدامات مؤثر کنند برنامه‌های ساختاری را در مناطق جغرافیایی‌ای که بیشتر تحت‌تأثیر تغییرات اقلیمی قرار دارند توسعه می‌دهند. برای مثال، در بخش جنوبی کشور مولداوی، در منطقه‌ای که در آن خشک‌سالی فراوان‌تر است و بیابان‌زایی در مقایسه با سایر مناطق شدیدتر است، برای تقویت سازگاری با تغییرات اقلیمی و بهبود دسترسی به آب مجموعه‌ای از پروژه‌های تعدیل زیرساخت، از طریق برنامه‌های همکاری توسعه، اجرا شده است.

۴. کمک به افرادی که «در حال حرکت» هستند برای جلوگیری از تلفات انسانی: در سال ۲۰۱۸، گروه ویژه جابه‌جایی^۱ که در سطح جهانی فعالیت می‌کند، با هدف کمک به مهاجران اقلیمی‌ای که مجبور به ترک خانه‌های خود شده‌اند، مجموعه‌ای از توصیه‌ها به کشورهای را تدوین کرد. در این توصیه‌ها بر نیاز به اقدامات جمعی‌ای که در سراسر حوزه‌های سیاستی دلالت دارند تأکید می‌شود: (۱) از بین بردن ضعف مدیریت مهاجرت‌های اجباری؛ (۲) ارائه کمک و حمایت از مهاجرانی که در چهارچوب تغییرات اقلیمی جابه‌جا می‌شوند؛ (۳) تسهیل مهاجرت وابسته به تغییرات اقلیمی و محیط‌زیستی؛ (۴) ایجاد مسیرهای منظم برای مهاجرت با در نظر گرفتن نیازهای بازار کار؛ (۵) ایجاد شغل، از جمله ایجاد فرصت‌های شغلی سبز.

۵. توسعه رویکردی مردم‌محور، نظام‌مند و مبتنی بر حقوق بشر: تغییرات اقلیمی باید به گونه‌ای مدیریت شود که منجر

به‌طور کلی مهاجرت، چه در معنای سازگاری با تغییرات اقلیمی و چه در معنای شکست شیوه‌های سازگاری با تغییرات اقلیمی، پدیده‌ای اجتناب‌ناپذیر است که چالش‌های وابسته به آن در حال و آینده پیش روی ما قرار دارد. در همین راستا، توجه به نکات زیر ضروری به نظر می‌رسد:

۱. بهبود ارتباطات و پیش‌بینی‌پذیری روند مهاجرت: با نقشه‌برداری از روند تغییرات اقلیمی و مقایسه پیوسته نتایج نقشه‌برداری از روندهای مهاجرتی می‌توان پیش‌بینی‌پذیری روند مهاجرت در آینده را بهبود بخشید. تغییرات اقلیمی در تمام مناطق جهان تأثیر می‌گذارد، اما پیش‌بینی دقیق تأثیرات منطقه‌ای و محلی آن دشوار است. آثار محلی و آسیب‌پذیری جمعیت‌ها تا حد زیادی به توسعه و ظرفیت انطباق، تغییرات جمعیتی و اقتصادی آتی و همچنین به سیاست‌های کاهش و سازگاری بستگی دارد.

۲. اقدامات مؤثر در زمینه «محرک‌های مهاجرت»: در مهاجرت‌های اقلیمی: برای ساختار دادن به پاسخ‌های سیاستی حول محورهای اصلی مهاجرت، به‌ویژه در مورد مهاجرت‌های اقلیمی، باید اقدامات بیشتری انجام شود. این امر مستلزم تأمل بر اساس داده‌های دقیق و تحلیل مقایسه‌ای تغییرات اقلیمی و روندهای مهاجرتی است. کشورها می‌توانند پاسخ خود را با اقدامات مثبت درباره محرک‌های جابه‌جایی به‌روز کنند؛ این محرک‌ها با احساس امنیت فرد تعیین می‌شود، مثل امنیت غذایی، امنیت آب، امنیت اقتصادی، امنیت شخصی و سیاسی، امنیت انرژی، امنیت جهانی، و امنیت محیط‌زیستی.

۳. جلوگیری از آوارگی‌های گسترده‌ای که نتیجه مخاطرات محیط‌زیستی است با بهبود اقدامات در زمینه مقابله با مخاطرات عمده مانند مخاطرات آب‌شناسی (سیل، رانش زمین)، مخاطرات ژئوفیزیکی (زلزله)، مخاطرات هواشناسی (دماهای شدید، امواج گرما)، خطرات اقلیمی (خشک‌سالی، آتش‌سوزی جنگل)،

همچون خشک‌سالی مهاجرت کرده‌اند در ایران ثبت نشده است. با وجود این، طبق آمارهای مرکز پایش و نظارت بر جابه‌جایی‌های داخلی، ۴۱ هزار نفر در سال ۲۰۲۱ در اثر بلایای طبیعی ناگهانی همچون سیل و طوفان در داخل کشور ایران جابه‌جا شده‌اند. طبق آمارهای این مرکز، وقوع طوفان‌های حاره‌ای در اوایل سال ۲۰۲۱ که منجر به جاری شدن سیل و طوفان گردوغبار در ایران شد، عامل جابه‌جایی بیش از ۲۳۰۰ نفر در استان‌های جنوبی کشور بوده است. به‌علاوه طبق این گزارش، کشور ایران تحت‌تأثیر بدترین خشک‌سالی خود در ۵۰ سال گذشته قرار دارد. اما با توجه به ماهیت تدریجی وقوع خشک‌سالی در کشور، آمار جابه‌جایی‌های ناشی از این پدیده در دسترس قرار ندارد. با این حال، شواهد حاکی از آن است که، به‌علت خشک‌سالی و ناسازگاری در برابر شرایط اقلیمی، برخی از روستاهای کشور خالی از سکنه شده است و بخش زیادی از جمعیت خود را از دست داده است که بخشی از آن را می‌توان به‌علت فقدان سیاست‌های مدون برای سازگاری و انطباق با شرایط اقلیمی و یا ناکارآمدی سیاست‌ها و برنامه‌های سازگاری دانست. امری که در نتیجهٔ آن مردم به‌ناچار مهاجرت را چون آخرین راه‌برد سازگاری و راهی برای بقا در برابر تغییرات اقلیمی برای خود برگزیده‌اند.

همان‌طور که اشاره شد، الگوی مهاجرت و جابه‌جایی‌های داخلی در کشور در سالیان گذشته همواره خود را به‌صورت مهاجرت روستایی - شهری نمایان کرده است که عمده‌ترین و بارزترین علت آن را می‌توان مسائل اقتصادی و معیشتی ساکنان شهرها و روستاها دانست. عوامل «فشار» و «کشش» اقتصادی، مانند رکود درآمدهای روستایی و در دسترس بودن شغل (بهتر) با دستمزد بالاتر در مناطق شهری، ممکن است تأثیر چشمگیری در مهاجرت روستا - شهری یا شهری - شهری داشته باشد.

به‌علاوه، عوامل جمعیت‌شناختی نیز در تصمیم‌های مهاجرتی افراد سهم بزرگی دارد. برای مثال، اغلب جوانان در مناطق روستایی کشور در اثر «محرک‌های اجتماعی» به مناطق شهری کشیده می‌شوند، به‌ویژه با چشم‌انداز کسب آموزش یا دستیابی به فرصت‌های کاری بهتر. محرک‌های سیاستی نیز بایستی در میل به مهاجرت افراد در نظر گرفته شود. مثلاً، سیاست‌های دولت در خصوص توسعهٔ روستایی و سازگاری با تغییرات اقلیمی ممکن است منجر به حمایت از معیشت روستایی شود و مردم با آن به مقابله یا سازگاری در روستاها تشویق شوند. سیاست‌ها و قوانین مرتبط با زمین (مانند چهارچوب‌های مالکیت زمین و سیاست‌های کاربری زمین یا سیاست‌های ساختمان و برنامه‌ریزی شهری) نیز ممکن است تأثیرات عمده‌ای در معیشت و مهاجرت انسان‌ها داشته باشد. در این میان عامل اقلیم، که عاملی

به اتحاد همهٔ نظام‌ها شود. هدف از این اتحاد باید حمایت از دولت‌ها و تسریع تغییرات نظام‌مند مورد نیاز برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای و ایجاد انعطاف‌پذیری جمعیت باشد و از طریق زیرساخت‌های بادوامی که با آن‌ها کسب‌وکارها و شهرها و دیگر کنشگران غیردولتی گرد هم می‌آیند اتفاق بیفتد. مهاجرت و وجوه مهاجرفرستی آن می‌تواند به سازگاری با تغییرات اقلیمی در کشورهای مبدأ کمک مثبتی بکند. بنابراین، بررسی تأثیر تصمیمات سیاستی مدیریت مهاجرت در مذاکرات بین‌المللی اقلیمی می‌تواند جالب باشد.

۶. افزایش مسئولیت کسب‌وکارها و مشارکت آن‌ها در پیشگیری از آوارگی‌ها: نقش کسب‌وکارها بسیار مهم است؛ آن‌ها توسعه و نوآوری فناوری را رهبری می‌کنند. از آنجایی‌که جریان‌های مهاجرت به‌سمت منابع درآمدی پایدار پیش می‌رود، نقش کسب‌وکارها باید به رسمیت شناخته شود، زیرا این امر درآمد پایدار را فراهم می‌کند. کسب‌وکارها - از جمله آن‌هایی که از نظر فناوری پیشرفته‌ترند - باید در پیشگیری از آوارگی‌ها مشارکت کنند. در این میان انتظار می‌رود که از یک‌سو کسب‌وکارها از رویکردهای دوستدار محیط‌زیست استفاده کنند و از سوی دیگر تأثیر کار خود را در مهاجرت در نظر داشته باشند.

۷. ارتقای مدیریت مهاجرت: در راستای ارتقای مدیریت مهاجرت نیاز است رویکردی نظام‌مند توسعه داده شود، به این معنا که مدیریت مهاجرت برای همسو کردن آن با اهداف جدید بازنگاری شود. مهاجرت، در صورت مدیریت صحیح، می‌تواند در حمایت از اقدامات اقلیمی در کشورها، به‌ویژه از طریق ارسال پول مهاجران و انتقال دانش فنی، تأثیری مثبت بگذارد. مهاجرت مدیریت‌شده همچنین می‌تواند به رفع برخی از چالش‌های آیندهٔ کشورها، از جمله حفظ جمعیت و رشد اقتصادی آن‌ها و افزودن منابع جدید، کمک کند (Fride, 2021).

۱-۲ - مهاجرت به‌مثابهٔ سازگاری یا ناسازگاری در برابر شرایط اقلیمی در ایران

کشور ایران نیز مانند بسیاری از کشورهای دیگر با معضل تغییر اقلیم و تغییرات محیطی مواجه است. تاریخچهٔ مهاجرت‌های اقلیمی در ایران به سال‌های دور بازمی‌گردد. مهاجرت روستایی - شهری نمود بارزی از مهاجرت‌های اقلیمی در کشور است که سبب می‌شود همه‌ساله تعدادی از کشاورزان و ساکنان مناطق روستایی، در نتیجهٔ خشک‌سالی و ازدست‌رفتن حاصلخیزی زمین‌های زراعی‌شان، به مناطق دیگر مهاجرت کنند. این امر به‌ویژه در سال‌های اخیر، با کاهش میزان بارش‌ها و خشک‌شدن تالاب‌ها و بسیاری از زمین‌های کشاورزی و همچنین وقوع گردوغبار در کشور، برجسته‌تر شده است.

آمار دقیقی از تعداد افرادی که در اثر تغییرات محیطی پیش‌رونده

انسانی، همچون برداشت بیش از حد مجاز از منابع تجدیدپذیر حوضه آبریز دریاچه ارومیه و نیز توسعه بی‌رویه بخش کشاورزی در اطراف دریاچه، منجر به اختلال در زیست‌بوم طبیعی دریاچه و آسیب به اراضی کشاورزی و باغات منطقه و از بین رفتن معیشت ساکنان نواحی اطراف این دریاچه شده است. اگرچه برخی کارشناسان معتقدند که سهم عوامل انسانی در از بین رفتن این دریاچه بیش از عوامل طبیعی مانند کاهش بارندگی و افزایش دمای هوا بوده است (Iranian Students' News Agency, [ISNA], 2022).

پیش‌بینی‌های غیررسمی از سوی مسئولان و کارشناسان محیط‌زیست این است که در صورت تداوم خشک‌سالی و افزایش ریزگردها در اطراف حوضه دریاچه ارومیه و ناسازگاری با شرایط پیش‌آمده، میلیون‌ها نفر مجبور خواهند شد که از این منطقه مهاجرت کنند و جابه‌جا شوند. ارائه چنین شواهد بارزی حکایت از مهاجرت‌های اقلیمی قریب‌الوقوع در کشور دارد که با انواع مختلفی از جمله مهاجرت ناشی از خشک‌سالی، مهاجرت ناشی از ریزگردها و نیز سایر حرکات جمعیتی مرتبط با نوسانات اقلیمی نمود پیدا خواهد کرد. در راستای مدیریت و سازگاری با این معضل محیط‌زیستی در کشور، در سال ۱۳۹۲ ستاد احیای دریاچه ارومیه، با هدف تثبیت تراز بوم‌شناختی دریاچه ارومیه، کار خود را آغازید؛ برخی از راهکارهای مصوب احیای دریاچه ارومیه در شکل ۴ نشان داده شده است.

تشدیدکننده و مداخله‌گر است، باعث ایجاد تکانه‌های اقتصادی می‌شود که این امر به نوبه خود به ایجاد ناامنی غذایی، ناامنی آبی و از دست دادن درآمد و آسیب به معیشت افراد و سپس مهاجرت افراد منجر خواهد شد. اگرچه عامل اقلیم مداخله‌گر در مهاجرت افراد شناخته می‌شود، به‌طور کلی، نمی‌توان ادعا کرد که ساکنان برخی از مناطق کشور که جمعیت آن‌ها در حال کم و کمتر شدن است صرفاً به علت شرایط اقلیمی مهاجرت می‌کنند. بلکه چنان‌که اشاره شد، عوامل مختلف اجتماعی و اقتصادی و سیاسی در حرکت و جابه‌جایی افراد نقش اساسی دارند.

در راستای معضلات اشاره‌شده در کشور، کارگروه ملی «سازگاری با کم‌آبی» در سال ۱۳۹۶ با استناد به اصل یک‌صد و سی‌وهشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به تصویب رسید که هدف از تدوین آن ایجاد هماهنگی و انسجام در برنامه‌های سازگاری با کم‌آبی در سطح کشور بود. طرح‌ها و برنامه‌های متعددی برای سازگاری و مقابله با مخاطرات محیطی و اقلیمی در مناطق مختلف کشور به اجرا درآمده است، اما یکی از طرح‌های بزرگ طرح احیای دریاچه ارومیه بوده است.

خشک‌شدن دریاچه ارومیه یکی از پیامدهای قابل‌توجه و ملموس ناشی از تغییرات اقلیمی و محیط‌زیستی و مداخلات انسانی در کشور طی دهه اخیر بوده است که در نتیجه آن بخش زیادی از منابع آبی بزرگ‌ترین دریاچه کشور از دست رفته است. تشدید نوسانات اقلیمی و استمرار خشک‌سالی و مداخلات

اقدامات مطالعاتی و نرم‌افزاری	تأمین آب از منابع جدید	افزایش بهره‌وری و کاهش مصرف آب در بخش کشاورزی
<ul style="list-style-type: none"> • تدوین و پیاده‌سازی برنامه جامع آموزش • تهیه برنامه افزایش اشتغال و معیشت جایگزین • اطلاع‌رسانی، آگاه‌سازی و جلب مشارکت عمومی و جوامع محلی 	<ul style="list-style-type: none"> • تأمین اعتبار مورد نیاز • تسریع در انتقال آب؛ طرح انتقال آب از رودخانه زاب • انتقال پساب تصفیه‌خانه‌های حوضه آبریز 	<ul style="list-style-type: none"> • ممنوعیت کشت محصولات آب‌بر همچون چغندر قند
تسهیل و افزایش حجم آب ورودی به دریاچه از طریق اقدامات فیزیکی و سازه‌ای	کنترل و کاهش برداشت از منابع آب سطحی و زیرزمینی حوضه	اقدامات حفاظتی و کاهش اثر
<ul style="list-style-type: none"> • انتقال آب به جزایر و تالاب‌های حاشیه دریاچه ارومیه از سد حسنلو • بازگشایی مسیر آبراه‌های ورودی به تالاب‌های جنوبی • انتقال آب رودخانه‌ها به پیکره آبی دریاچه 	<ul style="list-style-type: none"> • ممنوعیت هرگونه افزایش برداشت از منابع آب حوضه آبریز دریاچه ارومیه • جلوگیری از برداشت غیرمجاز از آب‌های سطحی • توقف کلیه طرح‌های سدسازی در دست مطالعه • طرح‌های شبکه‌های آبیاری و آبرسانی 	<ul style="list-style-type: none"> • شناسایی کانون‌های تولید ریزگرد و تثبیت آن‌ها • شناسایی گونه‌های گیاهی شورپسند متناسب با شرایط منطقه

شکل ۴: راهکارهای مصوب احیا و سازگاری در برابر خشک‌شدن دریاچه ارومیه (Urmia Lake Restoration National Committee, 2021)

عوامل ترکیبی رخ داده است. این رخداد در نقاط مختلف کشور منجر به ناسازگاری، مهاجرت و خالی از سکنه شدن برخی از روستاها شده است. برای نمونه می‌توان به خشک‌شدن تالاب هامون و به‌تبع آن خالی از سکنه شدن برخی از روستاهای استان سیستان و بلوچستان اشاره کرد (ISNA, 2022). مطالعات دهمرده و همکاران (2009) مؤید این واقعیت است که بروز خشک‌سالی‌های متناوب و دوره‌ای در اطراف تالاب هامون منجر به مهاجرت تعداد زیادی از مردم روستاهای این منطقه شده است که اغلب این مهاجران ماهی‌گیران حاشیهٔ هامون هستند (Dahmardeh et al., 2009). از سوی دیگر طوفان شن و گردوغبار شدید که در نتیجهٔ خشک‌شدن تالاب هامون به وقوع پیوسته است یکی دیگر از معضلات محیط‌زیستی در این منطقه به شمار می‌آید.

به‌طور کلی، بیکاری، بی‌آبی، و تغییرات بوم‌شناختی منطقه از مشکلات مهم استان سیستان و بلوچستان است که ترکیبی از این عوامل منجر به ناسازگاری با شرایط اقلیمی و مهاجرت و نیز نابسامان‌شدن فضای جغرافیایی سیستان و بلوچستان شده است (Zaki et al., 2022). بر اساس آمارهایی که مرکز آمار ایران منتشر کرده است، جریان مهاجرت‌ها از این استان اغلب به سمت استان‌های گلستان و خراسان بوده است. از این رو، مدیریت کلان منابع آب در استان سیستان و بلوچستان، با توجه به خشک‌سالی موجود، از چالش‌های جدی و فراگیر در استان و حتی شرق کشور است (Zaki et al., 2022). در همین راستا، طرح‌های متعددی همچون طرح «ارتقای مدیریت یکپارچهٔ منابع طبیعی برای احیای زیست‌بوم‌های تالابی و حمایت از توسعهٔ معیشت‌های جایگزین جوامع محلی»، با مشارکت اتحادیهٔ اروپا و برنامهٔ عمران سازمان ملل متحد^۱ اجرا شده است. هدف از این طرح مدیریت یکپارچهٔ منابع طبیعی در راستای احیای زیست‌بوم تالاب هامون و حمایت از توسعهٔ معیشت‌های جایگزین جوامع محلی در منطقهٔ سیستان بوده است (Zabul University, 2022).

علاوه بر طرح‌های یادشده، در فرایندهای اجرایی پروژه، طرح‌های کوچک زودبازده با محوریت «توانمندسازی اقتصادی بانوان»، «کشاورزی و دامداری»، «شیلات و آبی‌پرووری»، «کارآفرینی و توسعهٔ شرکت‌های کوچک و متوسط‌مقیاس»، «مدیریت خاک، آب و تالاب» نیز در نظر گرفته شده است. این طرح‌ها به‌طور ویژه برای جلب مشارکت کنشگرانی است که توانایی ارائهٔ راهکارهای تجربی یا نوآورانه برای برون‌رفت از محرومیت یا مواجه‌شدن با چالش‌های توسعه را داشته باشند.

با توجه به اینکه برای احیای دریاچهٔ ارومیه نیاز است تلاشی همگانی صورت گیرد، مشارکت جوامع محلی، هم‌زمان با فعال‌شدن سایر بخش‌های مدیریتی و اجرایی، و با هدف مدیریت صحیح منابع آب و الگوهای معیشتی سازگار با محیط‌زیست، صورت گرفت. حمایت از ایجاد الگوهای معیشت سازگار با محیط‌زیست و ایجاد یا ظرفیت‌سازی نهادهای مدیریتی محلی منابع آب در روستاها، به‌علت ماهیت مشارکتی آن، مؤلفه‌های تکمیلی برای افزایش نقش جوامع محلی در احیای دریاچهٔ ارومیه محسوب می‌شود. از آنجاکه بخش عمده‌ای از معیشت جوامع محلی و تأمین حقیقهٔ دریاچه به فعالیت‌های کشاورزی وابسته است، پروژهٔ «همکاری در احیای دریاچهٔ ارومیه از طریق مشارکت جوامع محلی در استقرار کشاورزی پایدار و حفاظت از تنوع زیستی»، به‌عنوان یکی از فعالیت‌های اصلی دفتر طرح حفاظت از تالاب‌های ایران، از سال ۱۳۹۳ آغاز شد و در چندین روستای حوضهٔ آبریز دریاچهٔ ارومیه اجرا شده است. فعالیت‌های این پروژه شامل این موارد است: استقرار کشاورزی پایدار؛ حمایت از معیشت‌های سازگار با منابع آبی؛ صندوق‌های خرد زنان روستایی؛ حمایت از تدوین برنامه‌های جامع مدیریت برای تالاب‌های اقماری دریاچهٔ ارومیه؛ اجرای فعالیت‌های اطلاع‌رسانی به‌منظور ایجاد بسیج اجتماعی در فرایند احیای دریاچهٔ ارومیه؛ اجرای برنامه‌های مرتبط با اقتصاد محیط‌زیست. همچنین اجرای «کمپین جامع اطلاع‌رسانی در خصوص نقش مردم در فرایند احیای دریاچهٔ ارومیه» یکی از اقدامات اصلی برای ارتقای سطح آگاهی مردم حوضهٔ آبریز دربارهٔ نقش آن‌ها در احیای دریاچهٔ ارومیه محسوب می‌شود (Sayyah and Rahmati, 2017).

به‌طور کلی، اگرچه رویکردی که در دههٔ گذشته در خصوص خشک‌سالی دریاچهٔ ارومیه اتخاذ شده است رویکردی فعالانه و مبتنی بر سازگاری و احیای دریاچهٔ ارومیه بوده است، در طی سالیان اخیر، با تداوم خشک‌سالی و کاهش بارش‌ها و تأمین‌نشدن حقیقهٔ دریاچه و همچنین سوءمدیریت و کم‌رنگ‌شدن موضوع احیای دریاچهٔ ارومیه در سیاست‌ها و برنامه‌ها، وضعیت دریاچه به بحرانی‌ترین نقطهٔ خود در طی دههٔ اخیر یا حتی قبل از آن رسیده است (ISNA, 2022). بنابراین، می‌توان گفت که رویکرد سازگاری با شرایط اقلیمی که با انجام اقدامات و راهبردهای مقابله‌ای و انطباقی در این منطقه صورت گرفته است، در سال‌های اخیر تا حدودی با شکست مواجه شده است و برآیند آن را می‌توان در وضعیت کنونی دریاچه مشاهده کرد. هرچند که پیش‌بینی می‌شود تبعات این ناسازگاری در سال‌های آتی در قالب مهاجرت و جابه‌جایی مردم این منطقه نمود یابد.

خشک‌شدن تالاب‌های کشور نمودی دیگر از تغییرات اقلیمی در کشور است که در نتیجهٔ کاهش بارش‌ها و سایر

مؤلفه نخست	<p>ارتقای ظرفیت‌ها و هماهنگی</p> <p>مؤلفه اول بر توسعه ظرفیت‌های بینابخشی و توانایی‌های ذی‌نفعان متمرکز است. این توجه به‌طور کلی معطوف است به ذی‌نفعان کلیدی در حوزه مدیریت جامع منابع طبیعی و توسعه اقتصادی - اجتماعی منطقه سیستان در سطوح ملی و منطقه‌ای و نیز کمک به حصول اطمینان از مدیریت بهینه سرزمین.</p>
مؤلفه دوم	<p>مدیریت پایدار منابع آب و خاک</p> <p>در این پروژه، به‌منظور تضمین اجرای برنامه مدیریت جامع تالاب‌های هامون، از ایجاد برنامه اقدام سازگاری با تغییر اقلیم پشتیبانی می‌شود که شامل فهرستی دقیق از اقدامات مشخص و اولویت‌بندی‌شده در توافقی با ذی‌نفعان و دست‌اندرکاران است.</p>
مؤلفه سوم	<p>توسعه اقتصاد محلی شامل کشاورزی سازگار با اقلیم و معیشت جایگزین</p> <p>در این بخش از پروژه، فعالیت‌هایی در راستای حمایت فنی و مالی و نیز ظرفیت‌سازی برای برنامه‌ریزی توسعه اقتصاد محلی، توانمندسازی برای کاهش فقر و بهبود کارآفرینی در حوضه سیستان، و تقویت مشارکت زنان و جوانان در فرایند برنامه‌ریزی و اجرای راهبردهای توسعه اقتصاد محلی صورت خواهد گرفت.</p>

شکل ۵: مؤلفه‌های اصلی طرح ارتقای مدیریت یکپارچه منابع طبیعی برای احیای زیست‌بوم‌های تالابی و حمایت از توسعه معیشت‌های جایگزین جوامع محلی در استان سیستان و بلوچستان (European Union et al., 2022)

که رابطه محیط‌زیست و مهاجرت رابطه‌ای پیچیده است که به مطالعات بسیار دقیقی نیاز دارد. چراکه غالباً علل متعدد و پیچیده‌ای برای مهاجرت افراد وجود دارد و این علت‌ها مستقیماً به تغییرپذیری محیط یا تغییر اقلیم مربوط نمی‌شود.

افراد و جوامع، با توجه به میزان آسیب‌پذیری در برابر بلایای طبیعی، به روش‌های گوناگون سازگاری وابسته به مهاجرت متوسل می‌شوند. اشکال این مهاجرت‌ها می‌تواند به‌صورت مهاجرت دائمی، مهاجرت موقت یا نیز سازگاری در مکان باشد. شواهد نشان می‌دهد که حرکت افراد پس از وقوع بلایا عمدتاً به‌صورت داخلی است و اغلب آن‌ها به جابه‌جایی به مکان‌های امن مجاور محل سکونت خود تمایل بیشتری دارند. برای نمونه، معمولاً مهاجرانی که زمین‌های کشاورزی روستایی خود را، به‌علت آثار پیش‌رونده اقلیمی از جمله خشک‌سالی، ترک می‌کنند به مناطق روستایی دیگر یا به مراکز شهری جابه‌جا می‌شوند. مانند آنچه طی سالیان اخیر در مناطق روستایی کشور ایران نیز به وقوع پیوسته است و ساکنین مناطق روستایی بنابه علل متعددی از جمله خشک‌سالی و کمبود منابع آبی روستاها را رها کرده‌اند و به مناطق شهری مهاجرت کرده‌اند. فقط در برخی از مناطق جهان افراد در معرض آسیب از مرزها عبور می‌کنند و به‌سمت کشورهای همسایه، به‌ویژه در مناطقی که اراضی کشاورزی و دسترسی به آب و شغل فراوان است، حرکت می‌کنند. در این میان مهاجرت فقط گزینه‌ای در برابر سازگاری با تغییرات اقلیمی است. این در حالی است که برخی محققان مهاجرت را به‌منزله نوعی شکست در سیاست‌های سازگاری در مبدأ ذکر می‌کنند. بدیهی است که اگر مهاجرت یکی از اقدامات سازگاری یا ناسازگاری جوامع در نظر گرفته شود، چالش‌های فراوانی برای برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران

به‌طور کلی، شواهدی که از تخلیه برخی روستاهای این منطقه و آمارهایی که از جابه‌جایی و مهاجرت ساکنان این نواحی ارائه می‌شود به‌خوبی بیانگر این است که اقدامات مقابله‌ای و سازگاری اثرگذاری چندانی نداشته است. به‌عبارت‌دیگر، می‌توان گفت که برخی از مردم این نواحی به‌علت شکست در شیوه‌های سازگاری با تغییرات اقلیمی از جمله خشک‌سالی به مناطق دیگر مهاجرت کرده‌اند. اگرچه بخشی از ساکنان این مناطق نیز به‌ناچار و بنابه علل گوناگون ماندن را به مهاجرت و رفتن ترجیح داده‌اند. همان‌طور که اشاره شد، به چنین افرادی در اصطلاح جمعیت «محبوس» یا «گرفتار» گفته می‌شود که نه‌قادر به سازگاری با آثار اقلیمی در منطقه مبدأ هستند و نه توان مهاجرت و سازگاری در مناطق مقصد را دارند. باید اذعان داشت که محرومیت در این استان و روند مهاجرت از این منطقه در روند امنیتی در مرز مشترک ایران و افغانستان نیز تأثیرگذار بوده است. کمبود جمعیت و متحرک‌بودن آن‌ها زمینه را برای عبور و مرور قاچاقچیان و تروریست‌ها و باندهای مافیایی فراهم کرده است. از یک‌سو، نرخ بالای زادوولد (جوان‌بودن جمعیت استان) و، از سوی دیگر، نبود فرصت‌های شغلی برای تعداد فراوان جوانان تحصیل‌کرده، منجر به مهاجرت روزافزون ساکنان به دیگر نواحی شده است و توازن و ترکیب جمعیتی این استان در اثر مهاجرت فرستی دگرگون شده است (Center for Strategic Studies, 2016).

جمع‌بندی و توصیه‌های سیاستی

جابه‌جایی‌های ناشی از تغییرات اقلیمی و محیطی یکی از چالش‌های مهم بشردوستانه و توسعه‌ای است که در قرن بیست‌ویکم با آن روبرو هستیم. باید به‌خاطر داشته باشیم

۳- تقویت همکاری‌های بین‌المللی

- بسیاری از مشکلات مرتبط با مهاجرت‌های اقلیمی با همکاری بین دولت‌های حاکم رفع می‌شود. تدوین توافق‌نامه‌های دوجانبه و چندجانبه ممکن است به ایجاد شبکه‌ای منطقه‌ای از قوانین و معیارها برای مدیریت و تسهیل مهاجرت مرزی در کشور کمک کند؛
- ایجاد توافق‌نامه‌های دوجانبه و زیرمنطقه‌ای برای تقویت آزادی در جابه‌جایی‌های بین مناطق؛

- گسترش مهاجرت‌های کاری فصلی یا کوتاه‌مدت یا نیز دائمی در راستای تأمین منافع کشورهای مبدأ و مقصد و نیز حمایت از کارگران مهاجر؛
- تقویت همکاری بین سازمان‌های دولتی در راستای رسیدگی به مهاجرت‌های اقلیمی.

۴- حمایت مالی از مهاجران متأثر از مخاطرات طبیعی

- مقابله با چالش‌های مهاجرت‌های اقلیمی به تلاش و پشتیبانی بخش‌های دولتی، خصوصی و غیرانتفاعی نیاز دارد. در این راستا به خصوص دولت‌ها بایستی پیشگام باشند.
- تشویق بخش خصوصی برای فراهم کردن ابزارهای مدیریت بلایا و بیمه و نیز ایجاد انگیزه برای مردمی که در مناطقی که کمتر در معرض مخاطرات طبیعی قرار دارند.
- گفتنی است که سیاست‌های مهاجرتی نه تنها بایستی منجر به توجه به مدیریت جمعیت‌هایی که در اثر بلایای شدید طبیعی آواره شده‌اند شود، بلکه بایستی جمعیت‌هایی که در مکان‌های آسیب‌پذیر در برابر تغییرات محیطی گرفتار می‌شوند نیز مورد توجه قرار گیرند. این مشکل «بی‌حرکی»^۱ که به ویژه گروه‌های فقیر و آسیب‌پذیر در جوامع را تحت تأثیر قرار می‌دهد، تا به امروز توجه محدودی را به خود جلب کرده است. اما از نظر سیاست‌گذاری در آینده بسیار بااهمیت خواهد بود. در این راستا، پایهٔ اساسی برای حمایت از این دسته از افراد آسیب‌پذیر در برابر مخاطرات محیطی، در سطوح ملی و محلی، تقویت هنجارها و ابزارهای حفاظتی و حمایتی خواهد بود.

منابع فارسی که معادل لاتین آن‌ها در فهرست منابع آمده است

- خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) (۱۴۰۱). «سهم ۶۹ درصدی انسان در خشک‌شدن دریاچه ارومیه».
- دانشگاه زابل (۱۳۹۹). «طرح‌های مرتبط با تالاب هامون باید با همکاری و مشاورهٔ علمی پژوهشکدهٔ تالاب بین‌المللی هامون دانشگاه زابل اجرا شوند». دسترس از طریق:

<https://www.uoz.ac.ir/fa-IR/UOZ/4607/news/view/13987/7642/Staging/>

ایجاد می‌کند که بسیاری از این چالش‌ها از طریق راهبردهای دقیق کنترل‌شدنی است. در این راستا، توصیه‌های سیاستی برای دولت‌ها و جامعهٔ بین‌المللی از جمله کشور ایران با هدف توسعهٔ راه‌حل‌های راهبردی ارائه شده است. برای هر توصیه، مجموعه‌ای از اقدامات اولویت‌بندی گنجانده شده است. چنین اولویت‌هایی ممکن است الهام‌بخش سیاست‌گذاران در سایر زمینه‌های تحقیقاتی باشد که در آن‌ها به دنبال شناسایی و اجرای شیوه‌های خوب حکمرانی هستند (IOM, 2022).

۱- ترویج سازگاری با تغییرات اقلیمی

مهاجرت‌های اقلیمی خود فرصت‌های متعددی برای ارتقای توسعه فراهم می‌کند. در این راستا، اقدامات زیر منجر به ترویج سازگاری با تغییرات اقلیمی می‌شود:

- آینده‌پژوهی در زمینهٔ شناسایی مناطق آسیب‌پذیر در پهنهٔ سرزمینی کشور برای برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری بلندمدت در خصوص جابه‌جایی و مهاجرت‌های محیط‌زیستی؛
 - انجام ارزیابی‌های ملی از خطر مخاطرات طبیعی و برآورد خسارات ناشی از وقوع بلایا به منظور درک نیازهای سرمایه‌گذاری در زمینهٔ مدیریت خطر بلایا؛
 - فراهم کردن بسترهای حفاظت اجتماعی و فرصت‌های درآمدزایی برای افرادی که در مناطق آسیب‌پذیر زندگی می‌کنند (مثلاً، آموزش مهارت‌های لازم و برنامه‌های جایگزین معیشتی)؛
 - سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های پایدار و مشخص کردن مناطق آسیب‌پذیر در برابر بلایا برای برنامه‌ریزی سکونت‌گاه‌های آبی و نیز مشارکت جوامع محلی در ساخت خانه‌های مقاوم؛
 - بحث و گفت‌وگوی سازمان‌یافته در مورد مهاجرت‌های اقلیمی و راهکارهای سازگاری با آن و به‌روزر کردن برنامه‌های ملی سازگاری.
- ۲- افزایش دانش و آگاهی در خصوص مهاجرت‌های اقلیمی
- مهم‌ترین مانع برای توسعهٔ سیاست‌های مؤثر در خصوص مهاجرت‌های اقلیمی نبود اطلاعات به‌روز در مورد الگوها و روندهای مهاجرتی است. اقدامات زیر دانش و آگاهی افراد را در زمینهٔ مهاجرت‌های اقلیمی افزایش می‌دهد:

- جمع‌آوری سازمان‌یافتهٔ داده‌های تفکیک‌شده در مورد جریان‌های مهاجرت‌های داخلی و برون‌مرزی؛
- حمایت از تحقیقات مرتبط با سیاست‌های مهاجرت‌های اقلیمی و تعامل بین محققان و سیاست‌گذاران در کشور؛
- انجام مطالعات در خصوص الگوهای مهاجرت‌های طولانی‌مدت در کشور؛
- ترویج مبادلات آموزشی و فرهنگی جوانان بین مناطقی که در معرض تغییرات اقلیمی قرار دارند و مناطقی که تاب‌آوری‌شان در برابر تغییرات اقلیمی بیشتر است.

- The First International Conference on Water Crisis*. Zabul. Iran. {In Persian}
- De Bruyckere, L. (2016). *Climate Migration As Political Ammunition*. Master's thesis. University of Vienna.
- Diallo, A., and Renou, Y. (2015). "Climate Change and Migration: The Emerging Structure of a Scientific Field and the Process of Public Policy Formulation". *Mondes en développement*, 172(4), pp. 87-107.
- El Hinnawi, E. (1985). *Environmental refugees*. United Nations Environmental Program. Available At: <https://digitallibrary.un.org/record/121267?ln=en>
- European Union, United Nations Development Programme, and Department of Environment of Iran (2022). *Comprehensive Management Of Natural Resources And Economic-Social Development Project- Sistan* (Retrieved 22 october). Available at: <https://sistanproject.ir/%D9%85%D8%B9/>
- Fride, P. A. (2021). *Climate and migration. Council of Europe. Parlimentary assembly*. Reference 4521 of 26 June. Available at: <https://pace.coe.int/en/files/29195/html>
- Gemenne, F., and Blocher, J. (2017). "How Can Migration Serve Adaptation To Climate Change? Challenges To Fleshing Out A Policy Ideal". *The Geographical Journal*, 183(4), pp. 336-347.
- International Organization for Migration (IOM) (2022). *People on the Move in a Changing Climate – Linking Policy, Evidence and Action*. Geneva: International Organization for Migration
- International Organization of Migration (IOM) (2017). *Making Mobility Work for Adaptation to Environmental Changes, Results from the MECLEP global research. International Organization for Migration*.
- Ionesco, D. and Chazalnoe, M. T. (2015). *Migration as an Adaptation Strategy to Climate Change. International Organization of Migration*. Available at: <https://weblog.iom.int/migration-adaptation-strategy-climate-change>
- Ionesco, D., Mokhnacheva, D. and Gemenne, F. دهمرده، مجید، یزدانی، سعید، سلوکی، محمود، پیری، عیسی و آذرین، حبیب‌الله (۱۳۸۷). «بررسی اهمیت تالاب هامون در رفع فقر و بیکاری و کاهش مهاجرت حاشیه‌نشینان تالاب هامون». اولین کنفرانس بین‌المللی بحران آب، دانشگاه زابل.
- ذکی، یاشار، قربانی سپهر، پریسا و قربانی سپهر، آرش (۱۴۰۰). «تحلیل تأثیر مخاطرات انسانی بر آمایش نواحی مرزی (مطالعه موردی: جنوب شرق ایران؛ سیستان و بلوچستان)». فصلنامه مدیریت مخاطرات محیطی، ۸(۴)، ص ۴۴۴ - ۴۳۱.
- رمضان‌خواه، متین، رمضان‌ی، مجید و قاسمی، روح‌الله (۱۳۹۵). مسئله‌شناسی راهبردی توسعه در استان سیستان و بلوچستان. مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری. دسترس از طریق: <https://css.ir/Media/PDF/1396/04/26/636358465691866732.pdf>
- سیاح، اردشیر و رحمتی، فاطمه سادات (۱۳۹۶). الگوسازی مشارکت جوامع محلی در احیای دریاچه ارومیه از طریق استقرار کشاورزی پایدار: مروری بر دستاوردهای «طرح حفاظت از تالاب‌های ایران» در فرایند احیای دریاچه ارومیه. تهران: مهر صادق.
- کارگروه ملی نجات دریاچه ارومیه (۱۳۹۹). ضرورت‌ها، مبانی قانونی، راهبردها و پروژه‌های عملیاتی طرح ملی نجات دریاچه ارومیه. ستاد احیای دریاچه ارومیه.

منابع

- Ahsan, R., Kellett, J., and Karuppanan, S. (2014). "Climate Induced Migration: Lessons From Bangladesh". *International Journal of Climate Change: Impacts and Responses*, 5.
- Apap, J. and du Perron de Revel, C. (2021). The Concept Of 'Climate Refugee'; Towards A Possible Definition. *European Parliamentary Research Service*. Available at: [https://www.europarl.europa.eu/RegData/etudes/BRIE/2021/698753/EPRS_BRI\(2021\)698753_EN.pdf](https://www.europarl.europa.eu/RegData/etudes/BRIE/2021/698753/EPRS_BRI(2021)698753_EN.pdf)
- Black, R. (2001). Environmental Refugees: Myth or Reality? *New Issues in Refugee Research*. United Nations High Commissioner for Refugees Working Paper No. 34, Available At: <https://www.unhcr.org/research/working/3ae6a0d00/environmental-refugees-myth-reality-richard-black.html>
- Dahmardeh, M., Yazdani, S., Solooki, M., Piri, I., and Habibollah, A. (2009). "Investigating The Importance Of Hamoun Wetland In Eliminating Poverty And Unemployment And Reducing The Migration Of The Marginal Residents Of The Hamoun Wetland".

- (2017). *The Atlas of Environmental Migration*. Routledge.
- Iranian Students' News Agency (ISNA) (2022). "Human Contribution In Drying Up Of Lake Urmia". Available at: <https://www.isna.ir/news/1401032215022/> {In Persian}
- Laczko, F., & Aghazarm, C. (2009). Migration, Environment and Climate Change: assessing the evidence. *International Organization for Migration* (IOM).
- Loneragan, S. (1998). "The Role Of Environmental Degradation In Population Displacement". *Environmental Change Security Project report*, 4, pp. 5-15.
- Manou, D., Baldwin, A., Cubie, D., Mihr, A., and Thorp, T. (Eds.) (2017). *Climate Change, Migration And Human Rights: Law And Policy Perspectives*. Taylor & Francis.
- Myers, N. (1993). "Environmental Refugees In A Globally Warmed World". *Bioscience*, 43(11), pp. 752-761.
- Nordas, R. and Gleditsch, N. P. (2007). "Climate Change And Conflict". *Political Geography*, 26(6), pp. 627-638.
- Oliver-Smith, A. (2009). Nature, Society, And Population Displacement: Towards Understanding Of Environmental Migration And Social Vulnerability. *United Nations University - Institute for Environment and Human Security*.
- Ramazankhah, M., Ramazani, M., and Qasemi, R. (2016). *Strategic problemology of development in Sistan and Baluchestan province project*. Center for Strategic Studies. Available at: <https://css.ir/Media/PDF/1396/04/26/636358465691866732.pdf> {In Persian}
- Ramlogan, R. (1996). "Environmental Refugees: A Review". *Environmental conservation*, 23(1), pp. 81-88.
- Sayyah, A., Rahmati, Fatemeh. (2017). Modeling the participation of local communities in the restoration of Lake Urmia through the establishment of sustainable agriculture: a review of the achievements of "Iran's Wetlands Protection Plan" in the process of the restoration of Lake Urmia. Mehr-e- Sadeq publishing. Tehran. Iran. {In Persian}
- Tacoli, C. (2009). "Crisis Or Adaptation? Migration And Climate Change In A Context Of High Mobility". *Environment and Urbanization*, 21(2), pp. 513-525.
- United Nations Environment Programme (2011). *Livelihood Security: Climate Change, Conflict and Migration in the Sahel*. Geneva: United Nations Environment Programme.
- United Nations High Commissioner for Refugees (UNHCR) (2017). *UNHCR Quick Guide, Climate Change and Disaster Displacement*. UNHCR.
- Unruh, J. D., Krol, M., and Kliot, N. (Eds.) (2005). *Environmental change and its implications for population migration* (Vol. 20). Springer Science & Business Media.
- Urmia Lake Restoration National Committee (2020). *Necessities, legal bases, strategies and operational projects of the Urmia Lake Restoration National plan*. Urmia Lake Restoration National Committee. Available at: <https://abopa.ir/wp-content/uploads/2021/10>. {In Persian}
- Warner, K. (2010). "Global Environmental Change And Migration: Governance Challenges". *Global environmental change*, 20(3), pp. 402-413.
- Westing, A. H. (1992). "Environmental Refugees: A Growing Category Of Displaced Persons". *Environmental Conservation*, 19(3), pp. 201-207.
- Zabul University. (2020). "Hamoun Wetland Projects Should Be Implemented With The Cooperation And Scientific Advice Of Hamoun International Wetland Research Institute Of Zabul University". Available at: <https://www.uoz.ac.ir/fa-IR/UOZ/4607/news/view/13987/7642/Staging> {In Persian}
- Zaki, Y., Ghorbani Sepehr, P., and Ghorbani Sepehr, A. (2022). "Analysis of the effects of human hazards on the management of border areas (Case study: Southeast Iran; Sistan and Baluchestan)". *Journal of Environmental Hazards Management*, 8(4), pp. 431-444. {In Persian}



Climate Migration Dilemma; Migration as an Adaptation or Maladaptation Strategy

Roghayeh Samadi¹

Abstract

The potential migration of millions of people due to adverse impacts of climate change is one of the most important issues for governments and policy makers. In this regard, there are various divergent views in the theoretical approach to climate- induced migration: Some scholars believe that migration indicates a failure to adapt to climate change. On the other hand, other scholars believe that migration can be used as a preventive strategy to deal with climate change. By using descriptive-analytical research method, in this study, we attempt to investigate various divergent views in climate migration theories by focusing on the maximalist and minimalist approaches. In addition, we present different climate adaptation strategies taken by policy makers in order to combat adverse consequence of climate changes in other countries. Finally, we analyze various evidences of climate- related movements in Iran and the policies and strategies has been taken by the government regarding to climate adaptation. In general, considering migration as an adaptation or maladaptation strategies creates many challenges for planners and policy makers, which can be controlled through precise strategies. In this regard, policy makers should apply strategies that strengthen the ability of actors to adapt to adverse impacts of climate change.

Keywords: Migration, Climate Change, Adaptation or Maladaptation, Maximalist and Minimalist Theories

1. Researcher at Iran migration observatory, Sharif University of Technology; r.samadi@imobs.ir

نقش نامه و فرم تعارض منافع

الف) نقش نامه

رقیه صمدی	
نویسنده	نقش
نگارش متن	نگارش متن
ویرایش متن	ویرایش متن و ...
طراحی / مفهوم پردازی	طراحی / مفهوم پردازی
گردآوری داده	گردآوری داده
تحلیل / تفسیر داده	تحلیل / تفسیر داده
-	سایر نقش ها

ب) اعلام تعارض منافع

یا غیررسمی، اشتغال، مالکیت سهام، و دریافت حق اختراع، و البته محدود به این موارد نیست. منظور از رابطه و انتفاع غیر مالی عبارت است از روابط شخصی، خانوادگی یا حرفه‌ای، اندیشه‌ای یا باورمندانه، و غیره.

چنانچه هر یک از نویسندگان تعارض منافی داشته باشد (و یا نداشته باشد) در فرم زیر تصریح و اعلام خواهد کرد:

مثال: نویسنده الف هیچ‌گونه تعارض منافی ندارد. نویسنده ب از شرکت فلان که موضوع تحقیق بوده است گرت دریافت کرده است. نویسندگان ج و د در سازمان فلان که موضوع تحقیق بوده است سخنرانی افتخاری داشته‌اند و در شرکت فلان که موضوع تحقیق بوده است سهامدارند.

در جریان انتشار مقالات علمی تعارض منافع به این معنی است که نویسنده یا نویسندگان، داوران و یا حتی سردبیران مجلات دارای ارتباطات شخصی و یا اقتصادی می‌باشند که ممکن است به طور ناآگاهانه‌ای بر تصمیم‌گیری آن‌ها در چاپ یک مقاله تأثیرگذار باشد. تعارض منافع به خودی خود مشکلی ندارد بلکه عدم اظهار آن است که مسئله‌ساز می‌شود.

بدین وسیله نویسندگان اعلام می‌کنند که رابطه مالی یا غیر مالی با سازمان، نهاد یا اشخاصی که موضوع یا مفاد این تحقیق هستند ندارند، اعم از رابطه و انتساب رسمی یا غیررسمی. منظور از رابطه و انتفاع مالی از جمله عبارت است از دریافت پژوهانه، گرت آموزشی، ایراد سخنرانی، عضویت سازمانی، افتخاری

اظهار (عدم) تعارض منافع: با سلام و احترام؛ به استحضار می‌رساند نویسندگان مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی ندارد.

نویسنده مسئول: رقیه صمدی

تاریخ: ۱۴۰۲/۰۲/۲۴